


## Legal Position of Debt Demand date in Late Payment Damage

Fereidoon Nahreini\*  Associate Professor in Faculty of Law and Political  
Science, University of Tehran

### Abstract

Undoing the each obligation, whether it is legal or contractual, is harmful and obligator is bound to compensate the loss by way of payment of damage. Delay in payment of monetary obligations is not out of this rule. The main question is, what date is the beginning of the calculation of late payment damages subject to article 522 of the Civil Procedure Code. Date of main debt demand or date of due date or date of bringing an action? Is there a way to compensate for damages or is it used to compensate for the decrease in the value of the banknote in monetary obligations? The result of this research is that the debt demand date for a monetary debt that has a due date, cannot be a criterion for starting the calculating of late payment damage, but the mentioned date (demand) is only for measuring the debtor's financial ability. Because the debt demand time is used where the date of fulfillment of the obligation is not known or the object of obligation is one of the obligations on demand. Also, this article is not for paying late payment damage, but only is a method to obtain compensation for the decrease in the value of the banknote in monetary debts.


**Keywords:** Monetary debt, Due date, date of demand, Reduction of money value, Reduction of banknote value.

\* Corresponding Author: f.nahreini@ut.ac.ir

**How to Cite:** Nahreini, F. (2023). Legal Position of Debt Demand date in Late Payment Damage. *Private Law Research*, 11(42), 9 -40. doi: 10.22054/jplr.2023.69574.2707

## «جایگاه قانونی تاریخ مطالبه دین در خسارت تاخیر تادیه» ارزیابی رای وحدت رویه شماره ۸۱۲ مورخ ۱۴۰۰/۴/۱ هیأت عمومی دیوان عالی کشور

دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران

فریدون نهرینی \* 

### چکیده

تخلف از انجام هر نوع تعهدی خواه قراردادی یا قانونی، زیان بار است و متعهد را ملزم به جبران زیان از طریق پرداخت خسارت می‌کند. تاخیر در پرداخت تعهدات پولی نیز از این قاعده بیرون و مستثنی نیست. پرسش اصلی آن است که آغاز محاسبه خسارت تاخیر تادیه موضوع ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م، چه تاریخی است؟ تاریخ مطالبه دین اصلی یا تاریخ سررسید یا تاریخ اقامه دعوا؟ افزون بر آن، خسارت تاخیر تادیه مقرر در ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م دارای چه ماهیتی است؟ آیا شیوه‌ای برای جبران خسارت است یا از آن برای جبران کاهش ارزش اسکناس در تعهدات پولی بهره‌گیری می‌شود؟ دستاورد پژوهش پیش رو گویای آن است که تاریخ مطالبه دین برای دیون پولی که دارای سررسید معین است، نمی‌تواند معیاری برای آغاز محاسبه خسارت تاخیر تادیه باشد بلکه فقط برای سنجش توانایی مالی بدهکار است. زیرا تاریخ مطالبه دین در جایی به کار می‌آید که تاریخ انجام تعهد معلوم نباشد یا موضوع تعهد در شمار تعهدات به روز و عندالمطالبه باشد. همچنین این ماده نه برای پرداخت خسارت تاخیر تادیه که فقط روشی برای دست‌یابی به جبران خسارت برآمده از کاهش ارزش اسکناس در بدهی‌های پولی است.

**کلیدواژه‌ها:** بدهی پولی، تاریخ سررسید، تاریخ مطالبه، کاهش ارزش پول، کاهش ارزش اسکناس.

## مقدمه

دیوان عالی کشور مرجعی است قضایی و بلند پایه که با پشت بستن به اصل ۱۶۱ قانون اساسی<sup>۱</sup>، هم بر اجرای صحیح قوانین نظارت می‌کند و هم به ایجاد وحدت رویه قضایی همت می‌گمارد. ایجاد وحدت رویه قضایی را نیز باید در پرتو کارویژه نخست دیوان عالی کشور یعنی پایش قوانین برای اجرای درست آن دید. همان هنگام که هیات عمومی دیوان عالی کشور به علت صدور آرای قطعی مختلف در موضوعات مشابه از مراجع قضایی و اختلاف آنها در استنباط و برداشت گوناگون از قانون، به رسیدگی و صدور رای وحدت رویه دست می‌زند، در این مسیر گام بر می‌دارد که تفسیر درست قانون را بنمایاند و بر اجرای صحیح آن نظارت کند.

برای تعیین آغاز محاسبه خسارت تاخیر تادیه وجه چک، به علت اختلاف در استنباطی که دو شعبه از شعب دادگاه تجدیدنظر استان تهران داشتند و رسیدگی آنها به صدور دو حکم قطعی انجامید، دیوان عالی کشور بیکار نشست و دست به کار شد تا در این کارزار قضایی و تفسیرهای گوناگون و تهافت آرای شعب ۳۱ و ۳۷ دادگاه تجدیدنظر استان تهران، میان داری کند و اجرای صحیح قانون را در قالب صدور رای وحدت رویه نشان بدهد؛ نتیجه این داوری و به تعبیری هدایت‌گری و راهبری مراجع قضایی، به صدور رای وحدت رویه شماره ۸۱۲ مورخ ۱۴۰۰/۰۴/۰۱ هیأت عمومی دیوان عالی کشور منتهی شد. رای وحدت رویه ۸۱۲ برای رفع اختلاف در استنباط از قانون و به ویژه برداشت و تفسیری درست از قوانین مربوط، در پایان رسیدگی و بررسی خود، آغاز زمان محاسبه خسارت تاخیر تادیه چک و چگونگی برخورداری دارنده چک را از قلمرو ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م بیرون شمرد و با اعلامی دیگر، تاریخ مطالبه وجه چک را که با صدور گواهی عدم پرداخت، بارز و ثابت می‌شود، مناط اعتبار ندانست.

به تشخیص دیوان عالی کشور، برای محاسبه خسارت تاخیر تادیه چک باید تاریخ مندرج در چک را مبدأ شمارش و محاسبه این نوع از خسارت، در نظر گرفت. برابر رای وحدت رویه یاد شده، مبدأ محاسبه خسارت تاخیر تادیه بر مبنای نرخ تورم، تاریخ چک است؛ پس

---

۱. اصل یکصد و شصت و یکم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «دیوان عالی کشور به منظور نظارت بر اجرای صحیح قوانین در محاکم و ایجاد وحدت رویه قضایی و انجام مسئولیت‌هایی که طبق قانون به آن محول می‌شود بر اساس ضوابطی که رئیس قوه قضاییه تعیین می‌کند تشکیل می‌گردد.»

خسارت تأخیر تأدیه وجه چک، برابر ماده ۳ قانون صدور چک و تبصره الحاقی ۱۳۷۶/۳/۱۰ به ماده ۲ آن قانون و همچنین قانون استفساریه این تبصره مصوب ۱۳۷۷/۹/۲۱ مجمع تشخیص مصلحت نظام، از تاریخ چک یعنی تاریخ نوشته شده در آن، حساب و شمارش می‌شود. با این ترتیب هیات عمومی دیوان عالی کشور نیز با تکیه بر قوانین و مقررات مذکور که به طور خاص راجع به چک وضع شده است، محاسبه خسارت تأخیر تأدیه چک و مبدأ محاسبه آن را از تاریخ چک اعلام کرد و آن را از شمول شرایط مقرر در ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ خارج دانست و در پایان نیز با تایید رای شعبه سی و یکم دادگاه تجدیدنظر استان تهران که تاریخ چک و نه تاریخ مطالبه را مبدأ محاسبه خسارت تأخیر تأدیه دانسته است، آن رای را به اکثریت آراء صحیح و قانونی تشخیص داد.

قطع نظر از آنچه در بالا گفته شد، این پرسش همچنان باقی است که سایر دیون (جز وجه چک و دین موضوع مهر زن) از چه ویژگی و خصوصیتی دارا هستند که بهره‌مندی و برخورداری بستانکار از خسارت تأخیر تأدیه موضوع ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م، باید مسبوق به مطالبه دین از سوی او باشد؟ چرا محاسبه خسارت تأخیر تأدیه بدهی پولی و به ویژه آغاز و مبدأ آن، چنان که در رای وحدت رویه نیز بر آن تاکید شده، از تاریخ مطالبه دین انجام می‌پذیرد؟ آیا میان مهر و وجه چک با سایر دیون مانند وجه برات و سفته و قرض، تفاوتی وجود دارد که باعث این جدایی آثار می‌شود؟ افزون بر آن، در دیونی که دارای سررسید هستند و این عنصر مهم نیز در ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م، پیش‌بینی شده، این سررسید چه نقشی را در برابر شرط مطالبه دین بازی می‌کند؟

این نوشتار کوشش دارد با پژوهشی در خور و با ارزیابی و نقدی بر رای وحدت رویه شماره ۸۱۲ مورخ ۱۴۰۰/۴/۱، به پرسش‌های مزبور پاسخ گوید. امید که مقبول طبع نظر جویندگان حقوق راستین و پویندگان دادگری قرار گیرد و در راه اجرا و حاکمیت قانون نیز به کار آید.

## ۲ - گزارش پرونده وحدت رویه قضایی ردیف ۱۳/۱۴۰۰ هیأت عمومی دیوان عالی کشور

بر اساس آرای واصله به معاونت قضایی دیوان عالی کشور در امور هیأت عمومی، از سوی شعب سی و هفتم و سی و یکم دادگاه‌های تجدیدنظر استان تهران در خصوص مبدأ محاسبه خسارت تأخیر تادیه وجه چک، آرای مختلفی صادر شده است که به منظور طرح موضوع در هیأت عمومی دیوان عالی کشور، گزارش آن به شرح زیر تهیه و تقدیم گردید:

**الف)** به حکایت دادنامه شماره ۱۰۹۹ - ۵/ ۱۲/ ۱۳۹۱ شعبه سی و ششم دادگاه عمومی حقوقی تهران، در خصوص دعوی س.ص. به طرفیت م.ش. به خواسته مطالبه مبلغ ۱۳۵,۰۰۰,۰۰۰ ریال بابت بخشی از وجه چک ... با احتساب خسارت تأخیر تادیه و دادرسی، دادگاه چنین رأی داده است:

«... به استناد مواد ۳۱۰ و ۳۱۳ قانون تجارت و مواد ۱۹۸، ۵۱۵، ۵۱۹ و ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی، خوانده را به پرداخت مبلغ یکصد و سی و پنج میلیون ریال بابت اصل خواسته به اضافه خسارت تأخیر تادیه از تاریخ ۱۳۹۰/۱۱/۵ تا تاریخ تادیه بر اساس شاخص نرخ تورم اعلامی از سوی بانک مرکزی ... در حق خواهان محکوم می‌نماید ... در مورد دعوی ... خواهان نسبت به خسارت تأخیر تادیه از تاریخ سررسید چک تا تاریخ صدور گواهی‌نامه عدم پرداخت (۱۳۹۰/۱۱/۵)، با عنایت به این که یکی از شروط اصلی خسارت تأخیر تادیه وفق ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی، مطالبه دین از سوی دائن می‌باشد و خواهان از تاریخ سررسید چک تا تاریخ مراجعه به بانک، مطالبه‌ای نسبت به وجه چک نداشته و اقدام علیه خود نموده است؛ ضمن اینکه این اقدام خواهان عملاً به منزله اعطای مهلت یا انصراف از مطالبه در مدت مذکور بوده است، بنابراین، این قسمت از دعوی خواهان مردود بوده و به استناد ماده ۱۹۷ قانون آیین دادرسی، حکم بر بطلان آن صادر می‌نماید.»

پس از تجدیدنظرخواهی از این رأی، شعبه سی و هفتم دادگاه تجدیدنظر استان تهران به موجب دادنامه شماره ۰۵۰۳ - ۵/۱۶/ ۱۳۹۲، چنین رأی داده است:

«در خصوص تجدیدنظرخواهی ... نسبت به قسمتی از دادنامه ۱۰۹۹ - ۵/ ۱۲/ ۱۳۹۱ صادره از شعبه ۳۶ دادگاه عمومی حقوقی تهران که به موجب آن حکم بر محکومیت خوانده دعوی بر پرداخت خسارت تأخیر تادیه از تاریخ گواهی‌نامه عدم پرداخت صادر کرده نه از تاریخ

سررسید چک ...، در رأی صادره باید این موضوع روشن شود که ضابطه مطالبه خسارت تأخیر تأدیه در ماده واحده الحاقی (مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام) به ماده ۲ قانون صدور چک، با ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی، افتراق دارد تا بگوییم یکی دیگری را تخصیص می‌زند یا دارای یک منشأ است. به طور خلاصه باید توضیح داد فرقی در تعیین تورم و شاخص میزان خسارت بین چک و سایر مطالبات وجود ندارد و تعارضی به نظر نمی‌رسد و ضابطه در چک جهت تعیین تورم، تاریخ مندرج در آن و در سایر مطالبات، تاریخ سررسید است. به بیان دیگر ماده واحده الحاقی به ماده ۲ قانون صدور چک نیز مانند ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی، مطالبه خسارت تأخیر تأدیه را بر مبنای نرخ تورم از تاریخ چک تا زمان وصول آن دانسته به این ترتیب مبنای محاسبه خسارت تأخیر تأدیه تاریخ سررسید دین یا چک بوده، لکن ابتدای زمان استحقاق دریافت خسارت تأخیر تأدیه، تاریخ مطالبه از سوی دائن است و راه قانونی برای مطالبه وجه چک، مراجعه دارنده به بانک محال‌علیه و صدور گواهی‌نامه عدم پرداخت بوده که مبنای استحقاق خسارت تأخیر تأدیه قرار می‌گیرد؛ علی‌هذا اعتراض مطروحه وارد نیست، مستنداً به ماده ۳۵۸ قانون آیین دادرسی مدنی با ردّ تجدیدنظرخواهی دادنامه تجدیدنظرخواسته را تأیید می‌نماید.»

ب) به حکایت دادنامه شماره ۱۶۵ - ۲۱ / ۳ / ۱۳۹۲ شعبه ۲۱۰ دادگاه عمومی حقوقی تهران در خصوص دعوی زب و ... به طرفیت م. ک. به خواسته مطالبه مبلغ ۴۵۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال وجه، دادگاه چنین رأی داده است:

«... نظر به این که مستند خواهان سه فقره چک ... می‌باشد که حسب گواهی بانک‌های محال‌علیه بلامحل اعلام گردیده است و حکایت از مدیونیت خوانده به میزان مبلغ مندرج در چک‌های موصوف دارد ...، لهدا دادگاه با توجه به مراتب، خواسته خواهان را موجه و ثابت دانسته، مستنداً به مواد ۳۱۰ و ۳۱۳ قانون تجارت و مواد ۱۹۸، ۵۱۵ و ۵۱۹ قانون آیین دادرسی مدنی، حکم به الزام خوانده به پرداخت مبلغ مندرج در چک‌های فوق‌الذکر و نیز خسارت تأخیر تأدیه از تاریخ تقدیم دادخواست لغایت اجرای حکم و نیز خسارات دادرسی را در حق خواهان صادر و اعلام می‌نماید.»

پس از تجدیدنظرخواهی از این رأی شعبه سی و یکم دادگاه تجدیدنظر استان تهران به موجب دادنامه شماره ۰۶۹۴ - ۵/۳۰ / ۱۳۹۲، چنین رأی داده است:

«... از ناحیه تجدیدنظرخواهان ایراد و اعتراض مؤثری که بتواند موجبات نقض دادنامه تجدیدنظرخواسته را فراهم نماید، ارائه و عنوان نگردیده است و تجدیدنظرخواهی با هیچ یک از شقوق مندرج در ماده ۳۴۸ قانون آیین دادرسی مدنی منطبق نمی‌باشد و لیکن مشاهده می‌شود دادگاه محترم در مورد مطالبه وجوه چک‌ها، خسارت تأخیر تادیه را از زمان تقدیم دادخواست محاسبه کرده است تجدیدنظرخواه به این قسمت از رأی اعتراض کرده است که مبنی بر اشتباه می‌باشد. به لحاظ این که بر اساس قانون استفساریه تبصره الحاقی به ماده ۲ قانون اصلاح موادی از قانون صدور چک مصوب ۱۳۷۱/۲/۱۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام و نظریه مجمع در خصوص محاسبه خسارت تأخیر تادیه بر مبنای نرخ تورم، محاسبه تأخیر تادیه چک از تاریخ صدور چک تا زمان وصول می‌باشد و این اشتباه به اساس رأی خلل و خدشه‌ای وارد نمی‌کند، علی‌هذا دادگاه ضمن ردّ تجدیدنظرخواهی به عمل آمده و با اصلاح مذکور، استناداً به مواد ۳۵۱ و ۳۵۸ قانون مارالذکر، رأی معترض عنه را تأیید و استوار می‌نماید.»

چنانکه ملاحظه می‌شود، شعب سی و هفتم و سی و یکم دادگاه‌های تجدیدنظر استان تهران، در خصوص مبدأ محاسبه خسارت تأخیر تادیه وجه چک، اختلاف نظر دارند؛ به طوری که شعبه سی و هفتم مبدأ خسارت تأخیر تادیه را تاریخ مطالبه (تاریخ صدور گواهی عدم پرداخت) و شعبه سی و یکم تاریخ سررسید چک می‌دانند. بنا به مراتب، در موضوع مشابه، اختلاف استنباط از قانون محقق شده است، لذا در اجرای ماده ۴۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری به منظور ایجاد وحدت رویه قضایی، طرح موضوع در جلسه هیأت عمومی دیوان عالی کشور درخواست می‌گردد.

معاون قضایی دیوان عالی کشور در امور هیأت عمومی - غلامعلی صدقی

ج) نظریه نماینده محترم دادستان کل کشور:  
احتراماً در خصوص پرونده وحدت رویه ۱۳/۱۴۰۰ هیأت عمومی دیوان عالی کشور به نمایندگی از دادستان کل کشور به شرح ذیل اظهار نظر می‌نمایم:

براساس گزارش معاونت قضایی دیوان عالی کشور در امور هیأت عمومی ملاحظه می‌گردد در خصوص مبدأ محاسبه خسارت تأخیر تادیه وجه چک بین شعب ۳۱ و ۳۷ محاکم تجدیدنظر استان تهران اختلاف نظر وجود داشته، به گونه‌ای که شعبه ۳۱ مبدأ خسارت تأخیر تادیه را سررسید چک و شعبه ۳۷ تاریخ مطالبه یعنی صدور گواهی عدم پرداخت می‌دانند

لذا با عنایت به اینکه یکی از متداول‌ترین وسایل پرداخت دین که مورد پذیرش قانونگذار قرار گرفته چک می‌باشد و لزوماً صادرکننده باید وجه آن را نزد بانک تأمین کند چون به محض صدور چک مبلغ مندرج در آن از دارایی صادرکننده کسر و به دارنده تعلق می‌گیرد و با توجه به اینکه وجه چک فقط یک دین مدنی نیست، بلکه در حکم یک سند تجاری است، لذا خصوصیت مضاعف تحمیل شده یا در نظر گرفته شده توسط قانون تجارت به گونه‌ای است که اساساً و به محض صدور اوصاف تجاری پیدا کرده و از مزایای حقوق تجارت استفاده می‌کنند که یکی از آن مزایا استفاده از تاریخ چک است که مانند اسناد تجاری از اعتبار خاص برخوردار می‌گردد و با توجه به اصول حاکم بر اسناد تجاری از جمله اصل سرعت در گردش سرمایه، اصل تسهیل در گردش سرمایه، اصل اطمینان در بازگشت سرمایه و عدم توجه به ایرادات این دلالت را دارد که بعد از صدور سند حاکمیت قانون تجارت در راستای حفظ سرمایه اجازه هیچ گونه تعرض به سرمایه را نمی‌دهد، لذا با توجه به اصول ذکر شده و سایر موازین قانونی از جمله ماده ۲۹۲ قانون تجارت، بند ج ماده ۱۰۸ قانون آیین دادرسی مدنی و ماده ۱۱۰ همان قانون و به استناد استفساریه تبصره الحاقی به ماده ۲ قانون اصلاح موادی از قانون صدور چک مصوب ۱۳۷۶/۳/۱۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام که مبنای محاسبه را از تاریخ سررسید چک تا زمان وصول آن قرار داده و از آنجایی که این قانون خاص بوده و مطابق نظریه شورای نگهبان مصوبات مجلس نمی‌تواند نسخ مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام باشد به نظر اینجانب نظر شعبه ۳۱ دادگاه تجدیدنظر استان تهران موافق با موازین قانونی و قابل تأیید است.»

۵) رأی وحدت رویه شماره ۸۱۲ مورخ ۱۴۰۰/۰۴/۰۱ هیأت عمومی دیوان عالی کشور «مطابق ماده ۳ قانون صدور چک مصوب ۱۳۵۵ با اصلاحات و الحاقات بعدی، صادرکننده باید در تاریخ مندرج در چک، معادل مبلغ ذکر شده در آن، در بانک محال‌علیه وجه نقد داشته باشد و برابر تبصره الحاقی (۱۳۷۶/۳/۱۰) به ماده ۲ قانون اخیرالذکر و قانون استفساریه این تبصره مصوب ۱۳۷۷/۹/۲۱ مجمع تشخیص مصلحت نظام، مبدأ محاسبه خسارت تأخیر تأدیه بر مبنای نرخ تورم، تاریخ چک است. بنابراین، خسارت تأخیر تأدیه وجه چک، برابر مقررات مذکور که به طور خاص راجع به چک وضع شده است، محاسبه می‌شود و از شمول شرایط مقرر در ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ خارج است. بنا به مراتب، رأی شعبه سی و یکم دادگاه تجدیدنظر استان تهران



که تاریخ چک (نه تاریخ مطالبه) را مبدأ محاسبه خسارت تأخیر تادیه دانسته است، به اکثریت آراء صحیح و قانونی تشخیص داده می‌شود. این رأی طبق ماده ۴۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی، در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور، دادگاه‌ها و سایر مراجع، اعم از قضایی و غیر آن لازم‌الاتباع است.<sup>۱</sup>

### ۳ - نقد و بررسی رای وحدت رویه شماره ۸۱۲

آنچه اختلاف شعب دادگاه تجدیدنظر استان را تشکیل می‌دهد، آغاز محاسبه خسارت تاخیر تادیه چک است که این اختلاف برآمده از دو مستند قانونی یعنی ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م از حیث تاریخ مطالبه وجه چک و دیگری نیز تبصره الحاقی ۱۳۷۶/۳/۱۰ به ماده ۲ قانون صدور چک<sup>۲</sup> و قانون استفساریه این تبصره مصوب ۱۳۷۷/۹/۲۱ مجمع تشخیص مصلحت نظام<sup>۳</sup> است. در

۱. گزارش کامل پرونده وحدت رویه قضایی ردیف ۱۳/۱۴۰۰ هیأت عمومی دیوان عالی کشور، برگرفته از روزنامه رسمی شماره ۲۲۲۴۲ مورخ ۱۴۰۰/۵/۶، سال هفتاد و هفت، ویژه‌نامه شماره ۱۴۳۵.

۲. تبصره الحاقی ۱۳۷۶/۳/۱۰ به ماده ۲ قانون صدور چک مصوب ۱۳۷۵/۲/۱۲: «دارنده چک می‌تواند محکومیت صادرکننده را نسبت به پرداخت کلیه خسارات و هزینه‌های وارد شده که مستقیماً و به طور متعارف در جهت وصول طلب خود از ناحیه وی متحمل شده است اعم از آن که قبل از صدور حکم یا پس از آن باشد از دادگاه تقاضا نماید. در صورتی که دارنده چک جبران خسارت و هزینه‌های مزبور را پس از صدور حکم درخواست کند باید درخواست خود را به همان دادگاه صادرکننده حکم تقدیم نماید.»

۳. قانون استفساریه تبصره الحاقی به ماده ۲ قانون اصلاح موادی از قانون صدور چک مصوب ۱۳۷۶/۰۳/۱۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام

**موضوع استفساریه:** آیا مراد از خسارت و هزینه‌های مقرر در تبصره الحاقی به ماده (۲) قانون اصلاح موادی از قانون صدور چک مصوب ۱۳۷۶/۰۳/۱۰ کلیه خسارات و هزینه‌های لازم از قبیل هزینه‌های دادرسی، حق الوکاله، ضمان ناشی از تسبیب، خسارات تاخیر تادیه و امثال آن می‌باشد؟ در این صورت مبنای محاسبه خسارت، مقررات بانکی است یا مبنای آن عرف می‌باشد که قاضی به استناد نظر کارشناسی یا سایر طرق نسبت به استخراج خسارات اقدام می‌نماید.

#### نظر تفسیری مجمع تشخیص مصلحت نظام در ۱۳۷۹/۹/۲۱:

«ماده واحده - منظور از عبارت "کلیه خسارات و هزینه‌های لازم از قبیل هزینه‌های دادرسی..." مذکور در تبصره الحاقی به ماده ۲ قانون اصلاح موادی از قانون صدور چک مصوب ۱۳۷۶/۰۳/۱۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام، خسارات تاخیر تادیه بر مبنای نرخ تورم از تاریخ چک تا زمان وصول آن که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام شده و هزینه دادرسی و حق الوکاله بر اساس تعرفه‌های قانونی است.

تفسیر فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه رسمی روز شنبه مورخ بیست و یکم آذر ماه یکهزار و سیصد و هفتاد و هفت مجمع تشخیص مصلحت نظام به تصویب رسید.»

استنباط مختلف از قوانین یاد شده، شعبه سی و هفتم دادگاه تجدیدنظر استان، مبدأ شمارش خسارت تأخیر تأدیه را تاریخ مطالبه وجه چک یعنی تاریخ صدور گواهی عدم پرداخت تلقی کرده و شعبه سی و یکم دادگاه تجدیدنظر نیز تاریخ سررسید چک را مبدأ محاسبه خسارت تأخیر تأدیه آن اعلام داشته است. قطع نظر از اختلاف شعب دادگاه تجدیدنظر استان تهران در باره زمان آغاز محاسبه خسارت تأخیر تأدیه وجه چک، هیات عمومی دیوان عالی کشور در رای وحدت رویه خود، ضمن خروج آغاز و چگونگی محاسبه خسارت تأخیر تأدیه چک از شرایط مقرر در ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م، در پایان رای به اشاره اعلام می‌دارد که رأی شعبه سی و یکم دادگاه تجدیدنظر استان تهران که تاریخ چک (نه تاریخ مطالبه) را مبدأ محاسبه خسارت تأخیر تأدیه دانسته است، به اکثریت آراء صحیح و قانونی تشخیص داده می‌شود. آنچه در این رای وحدت رویه، نگاه خواننده را به سوی خود می‌کشاند، «تاریخ مطالبه» و موضوعیت داشتن آن برای آغاز محاسبه خسارت تأخیر تأدیه سایر دیون موضوع ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م است. گویی دیوان عالی کشور نیز مانند حقوق دانان، دادرسان و نویسندگان حقوقی، پذیرفته که تاریخ مطالبه دین، شرطی است برجسته که محاسبه خسارت تأخیر تأدیه بدهی پولی موضوع ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م، از آن تاریخ (مطالبه دین) آغاز می‌شود. پژوهنده این نوشتار در پی رد کامل این نظر نیست اما در شرط بودن مطالبه دین و تاریخ آن برای مبدأ محاسبه خسارت تأخیر تأدیه، تردید جدی دارد. چنان که در مقدمه نیز گفته شد، چه تفاوتی میان دیون و بدهی‌هایی که موضوع آن پول و وجه رایج کشور است، وجود دارد؟ تبصره الحاقی ۱۳۷۶/۴/۲۹ به ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی راجع به مهری است که موضوع آن را وجه رایج یعنی پول ایران تشکیل می‌دهد؛ برابر همان مستند قانونی، وجه رایج موضوع مهر متناسب با تغییر شاخص قیمت سالانه زمان تأدیه نسبت به سال اجرای عقد ازدواج که از سوی بانک مرکزی تعیین می‌شود، محاسبه و پرداخت خواهد شد. شیوه‌ای که برای جبران کاهش ارزش اسکناس، سه سال بعد در ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م نیز به کار گرفته شد. افزون بر آن، همین روش نیز در قانون استفساریه تبصره الحاقی به ماده ۲ قانون اصلاح موادی از قانون صدور چک مصوب ۱۳۷۶/۰۳/۱۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام که به تاریخ ۱۳۷۹/۹/۲۱ به تصویب رسید، دیده می‌شود. شیوه‌ای که برابر تفسیر آن مجمع، مقرر می‌دارد خسارات تأخیر تأدیه بر مبنای نرخ تورم از تاریخ چک تا زمان وصول آن که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام شده، محاسبه می‌گردد.

در این مقاله، به ارزیابی رای وحدت رویه شماره ۸۱۲ مورخ ۱۴۰۰/۴/۱ هیأت عمومی دیوان عالی کشور به ویژه از نقطه نظر شرط مطالبه طلب و آغاز تاریخ محاسبه آن تا هنگام پرداخت در موضوع ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م می‌پردازیم.

### ۳ - ۱ - جایگاه مطالبه اصل طلب در برخورداری بستانکار از خسارت تاخیر تادیه

ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م افزون بر همه شرایطی که برای امکان مطالبه خسارت تاخیر تادیه مقرر می‌دارد، دو بار از عنوان «مطالبه» نیز بهره می‌برد که به باور نگارنده هر یک، از جایگاهی ویژه در آیین مطالبه خسارت تاخیر تادیه برخوردار است. مراد از مطالبه و خواستن دین یا طلب چیست؟ مگر نه آن است که هر بدهکار و متعهدی خود باید به پرداخت بدهی و انجام تعهد خویش روی بیاورد و در مقام وفای عهد و پیمان خود برآید؟ پس مطالبه طلب و درخواست بازپرداخت آن، دیگر چه نقش و جایگاهی در این میان دارد؟ چرا قانونگذار در ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م، پنداری یکی از شرایط برخورداری طلبکار از خسارت تاخیر تادیه دین اصلی را مطالبه آن طلب از سوی بستانکار قرار داده است؟ وقتی بدهکار از بدهی خود آگاهی دارد و زمان سررسید بازپرداخت دین را نیز می‌داند، چرا باید از او به وقت سررسید دین یا پس از آن، پرداخت بدهی پولی و دین را خواست؟ مطالبه انجام تعهد از سوی بستانکار یا متعهدله، در مواردی ضرورت قانونی دارد و از آثار قانونی برخوردار است که برای ایفای تعهد، مدتی مقرر نشده و اختیار زمان انجام تعهد نیز با متعهدله باشد که در این صورت او هنگامی می‌تواند خسارت حاصله از عدم اجرای تعهد را بخواهد که انجام تعهد را از متعهد مطالبه کرده باشد و آن را نیز به اثبات برساند (ماده ۲۲۶ قانون مدنی). مطالبه تعهد، نهادی است که به وسیله و با انجام آن، زمان اجرای تعهد در تعهدات عندالمطالبه و بدون مدت مانند قرض بدون مدت یا مهر عندالمطالبه، به متعهد یا بدهکار اعلام می‌گردد.<sup>۱</sup>

---

۱. برای خواندن بیشتر در باره «مطالبه تعهدات و طلب بدون مدت»، بنگرید به: کاتوزیان - ناصر، قواعد عمومی قراردادها، اجرای قرارداد، جلد چهارم، شرکت سهامی انتشار، چاپ پنجم، سال ۱۳۸۷، ص ۱۴۸، ش ۷۸۹. و نهرینی - فریدون، آیین دادرسی مدنی، جلد دوم، «دعوا، شرایط اقامه و استماع آن»، (با بازنگری و افزودنی)، انتشارات گنج دانش، چاپ دوم، سال ۱۴۰۰، صص ۴۰ تا ۴۵.

در ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م، مطالبه اول برای خواستن اصل دین است و مطالبه دوم برای درخواست خسارت تاخیر تادیه در دادخواست است. برای این که بتوان به درستی مطالب را از یکدیگر جدا و تفکیک کرد و در پایان، تحلیل مناسبی از آن به دست داد، شایسته است به هر یک از موضوعات، در سرنامه‌ای جدا پردازیم.

### ۳- ۱- ۱- نقطه آغازین محاسبه خسارت تاخیر از تاریخ مطالبه طلب

نخستین برداشتی که از ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م به ذهن می‌رسد آن است که مادام که مطالبه طلب اصلی به عمل نیاید، مبدأ و آغاز زمان شمارش خسارت تاخیر تادیه روشن نمی‌گردد. افزون بر آن این نگرش، پیامد دیگری نیز به همراه می‌آورد و آن اصل استحقاق و جریان خسارت تاخیر تادیه است. نخواستن یا مطالبه نکردن طلب اصلی از سوی بستانکار، او را مستحق برخورداری از خسارت یاد شده نمی‌کند. هر آینه او طلب خویش را از بدهکار بخواهد، از خسارت تاخیر آن می‌تواند برخوردار شود و همان تاریخ مطالبه نیز آغازی برای محاسبه و شمردن میزان خسارت تاخیر تادیه است.

برخی از استادان بر این اعتقادند که «خسارت» موضوع ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م در صورتی و از زمانی می‌تواند مطالبه<sup>۱</sup> شود که بستانکار، دین را خواسته باشد.<sup>۲</sup> برخی از نویسندگان حقوق مدنی در تفسیر ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م، مطالبه دائن را شرط برخورداری طلبکار از خسارت تاخیر تادیه تعهد پولی دانستند و محاسبه آن را نیز از تاریخ مطالبه دین اعلام داشتند نه تاریخ ابلاغ درخواست مطالبه به متعهد و یا مدیون وی. ایشان تعیین تاریخ مطالبه را در تعیین میزان خسارت تاخیر تادیه دارای نقش اساسی، معرفی کردند.<sup>۳</sup> برخی دیگر نیز در تحلیل ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م از حیث اطلاق و شمول آن بر دین ناشی از ضمان قهری، بر آن شدند که می‌توان خسارت تاخیر تادیه دین ناشی از ضمان قهری را در قالب رویدادی به نام «تسجیل زیان» که تعیین‌کننده اندازه زیان است، مطالبه کرد. از جمله، مصداق‌های آن را نیز تعیین اندازه زیان از سوی کارشناس، به موجب حکم دادگاه نخستین و یا برابر حکم دادگاه تجدیدنظر قرار

۱. توضیح نگارنده: به نظر می‌رسد مراد از به کار بردن واژه «مطالبه» در کتاب وزین استاد گرانمایه جناب آقای دکتر عبدالله شمس، «محاسبه» باشد که به سهو و اشتباه تایپی، «مطالبه» نوشته شده است.

۲. شمس - عبدالله، آیین دادرسی مدنی، دوره‌ی پیشرفته، جلد دوم، انتشارات دراک، چاپ نوزدهم، پاییز ۱۳۸۷، ص ۱۰۵، ش ۱۸۹.

۳. امینی - عیسی، حقوق قراردادهای، انتشارات گنج دانش، چاپ دوم، سال ۱۴۰۱، صص ۳۲۲ و ۳۲۳.

دادند و در نهایت نیز تاریخ قطعیت رای دادگاه را به عنوان مبدأ محاسبه خسارت تاخیر تادیه دین برخاسته از ضمن قهری برگزیدند؛ زیرا با حکم قطعی دادگاه است که میزان بدهی عامل زیان مشخص می‌گردد و بنابراین از این تاریخ می‌توان، بدهی مزبور را مشمول ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م دانست.<sup>۱</sup> افزون بر آن، به تعبیر استاد دکتر کاتوزیان، رای دادگاه، موضوع تعهد به جبران خسارت را به تعهد به پرداختن مبلغی پول تبدیل می‌کند و بنابراین از این حیث، نقش سازنده دارد. به همین علت نیز برای دوران پیش از صدور حکم دادگاه تا هنگام بروز خسارت، مسئولیتی در پرداخت خسارت تاخیر تادیه ندارد و فقط از تاریخ صدور حکم است که می‌توان گفت او در پرداخت بدهی پولی خود، تاخیر کرده است. با این ترتیب، استاد به این نتیجه می‌رسند که رای دادگاه از جهت شناخت طلب، اعلامی است ولی از نظر ارزیابی و انتخاب شیوه جبران زیان، تاسیسی محسوب می‌شود.<sup>۲</sup> در زمینه معنی و جایگاه مطالبه طلب از سوی طلبکار، دیوان عالی کشور نیز ساکت ننشسته است و در رای وحدت رویه‌ای که راجع به چگونگی محاسبه خسارت تاخیر تادیه وجه چک صادر کرده است، به کوتاه سخن، گریزی هم به ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م می‌زند و از مقطع زمانی «تاریخ مطالبه» برای محاسبه خسارت موضوع ماده ۵۲۲ قانون مزبور یاد می‌کند. مفاد و مفهوم رای وحدت رویه شماره ۸۱۲ مورخ ۱۴۰۰/۴/۱ هیأت عمومی دیوان عالی کشور حکایت از آن دارد که مبدأ محاسبه خسارت تاخیر تادیه موضوع ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م، تاریخ مطالبه آن است نه تاریخ سررسید آن.

### ۳ - ۱ - ۲ - آغازگاه شمارش خسارت تاخیر از تاریخ سررسید طلب

دیدگاه دوم، از زاویه دیگری به موضوع می‌نگرد. از دریچه این دیدگاه، نقطه شروع برآورد خسارت تاخیر تادیه موضوع ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م، تاریخ سررسید دین است. زیرا این تاریخ، نه تنها به روشنی و صراحت در مستند قانونی یاد شده آمده است بلکه افزون بر آن، عنصر برجسته‌ای برای تعیین شاخص قیمت سالانه از سوی بانک مرکزی در بازه زمان سررسید دین تا هنگام پرداخت آن است تا در صورت داشتن تغییر فاحش در این بازه زمانی، بستانکار

۱. محسنی - حسن و میرشکاری - عباس، مقاله «مطالبه زیان دیرکرد پرداخت دین ناشی از ضمان قهری»، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۴۶، شماره ۱، بهار ۱۳۹۵، صص ۱۴۸ و ۱۴۹.

۲. کاتوزیان - ناصر، الزام‌های خارج از قرارداد؛ مسوولیت مدنی، جلد اول: قواعد عمومی، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ هشتم، سال ۱۳۸۷، صص ۵۳۲ و ۵۳۳، ش ۲۸۱.

با رعایت تناسب این تغییر شاخص، از معادل خسارت تأخیر تادیه برخوردار گردد. در وضعیتی که برای پرداخت بدهی پولی معین، تاریخ سررسید گذاشته می‌شود و بدهکار می‌داند که در همان تاریخ معهود و مقرر، باید از عهده انجام تعهد مالی خویش برآید، چرا افزون بر این تعهد موجود و همچنین تاریخ آن، باز هم باید بستانکار را موظف کرد که برای دریافت طلب خود و همچنین برخورداری از خسارت تأخیر تادیه دین اصلی، آن را به وسیله‌ای مانند اظهارنامه، نامه، نامبر و یا حتی بیان شفاهی، از بدهکار بخواهد و مطالبه کند؟ دیون مربوط به وجه موضوع چک و مهر، دارای چه خصوصیت و ویژگی هستند که از چنین قید و بندی بیرون و معافند؟

مطالبه طلب از بدهکار باید همزمان یا پس از تاریخ سررسید دین باشد. محاسبه خسارت تأخیر تادیه دین (وجه رایج) پس از سررسید انجام می‌پذیرد و پیش از سررسید، مطالبه و محاسبه خسارت منتفی است؛ چون فعلیت ندارد. بنابراین مطالبه اصل دین و طلب، دست کم باید پس از تاریخ سررسید دین به عمل آید. بر همین اساس نیز محاسبه خسارت پس از مطالبه اصل طلب و از تاریخ سررسید و تا زمان پرداخت اصل طلب صورت می‌گیرد. بهترین وسیله و ابزار مطالبه طلب، دادخواست است که مستقیماً به مرجع قضایی داده می‌شود. اگرچه اظهارنامه نیز همین اثر را دارد ولی به اندازه‌ای که دادخواست از این منظر اثرگذار است، هیچ ابزار دیگری واجد این تأثیر نیست.<sup>۱</sup> به این پرسش باید پاسخ گفت که اگر خواهان پیش از تقدیم دادخواست، به موجب اظهارنامه، طلب خود را مطالبه نکرده باشد، آیا مطالبه اصل طلب و همچنین درخواست خسارت تأخیر تادیه آن، باعث این اثر می‌گردد که خسارت تأخیر تادیه موضوع ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م از تاریخ تقدیم دادخواست تا زمان پرداخت آن، مبنای محاسبه و موضوع حکم دادگاه قرار بگیرد؟ اگر این گونه باشد و بتوان به پرسش بالا، آری گفت، پس برابر دیدگاه نخست کار کرده‌ایم و اگر مقصود از مطالبه طلب، تنها سنجش و ارزیابی وضعیت بدهکار برای توانایی مالی پرداخت بدهی و خسارت تأخیر تادیه آن است، در این صورت، به دیدگاه دوم رسیده‌ایم.

---

۱. برای خواندن بیشتر بنگرید به: نهرینی - فریدون، آیین دادرسی مدنی، جلد دوم، «دعوا، شرایط اقامه و استماع آن»، (با بازنگری و افزودنی)، انتشارات گنج دانش، چاپ دوم، سال ۱۴۰۰، صص ۳۴، ۳۵، ۱۶۰، ۱۶۱، ۳۱۷ و ۳۱۸.

### ۳ - ۱ - ۳ - شرط مطالبه طلب برای احراز توانایی مالی مدیون

اگر نتوان به ترتیبی که در مطلب بالا گفته شد، شرط مطالبه طلب را برای بهره‌مندی از آغاز زمان محاسبه خسارت تاخیر تادیه، به کار گرفت، پس چنین شرطی به چه کار می‌آید و چرا در ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م، جای گرفته است؟ چه دلیلی وجود دارد که بستانکار، طلب خود را از بدهکار بخواهد و مطالبه کند؟ به باور نگارنده، شرط مطالبه دین اصلی از سوی بستانکار، برای تعیین زمان آغاز محاسبه خسارت تاخیر تادیه دین اصلی نیست بلکه فقط در کنار شرط تمکن مدیون، به کار می‌آید و اثر بخشی دارد. نهاد مطالبه دین اصلی، برای رسیدن به این هدف کارا و پُر ارج در ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م جای داده شده که در هنگام مطالبه دین، تمکن و توانایی مالی مدیون، سنجیده شود. در صورتی که مدیون از مُکنت مالی برای پرداخت دین به هنگام مطالبه دین برخوردار نباشد و به دیگر سخن معسر باشد، نمی‌توان در آن هنگام، از چنین بدهکاری، اصل دین و خسارت تاخیر تادیه آن را گرفت. اگر هم او در زمان مطالبه دین اصلی، دارای توانایی و تمکن مالی باشد و با وجود این ملالت، از پرداخت دین خودداری ورزد، خسارت تاخیر تادیه از تاریخ سررسید دین تا هنگام پرداخت آن، به شرط آن که شاخص قیمت سالانه، تغییر فاحش داشته باشد و آن خسارت نیز از سوی طلبکار (خواهان) در دادخواست مطالبه شود، محاسبه شده و مورد حکم دادگاه قرار می‌گیرد. افزون بر آن، در هر صورتی خسارت تاخیر تادیه چنان که به روشنی در ماده ۵۲۲ قانون مزبور آمده، از تاریخ سررسید دین تا هنگام پرداخت آن، به بستانکار تعلق می‌گیرد. پس، از این زاویه، تفاوتی میان تاریخ صدور چک با سررسید دین عادی نیست. بلکه آنچه این تفاوت را میان ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م و تبصره الحاقی ۱۳۷۶/۳/۱۰ به ماده ۲ قانون صدور چک و قانون استفساریه این تبصره مصوب ۱۳۷۷/۹/۲۱ مجمع تشخیص مصلحت نظام، رقم می‌زند ناظر به تمکن مدیون به هنگام مطالبه دین از سوی داین است؛ شرطی که پنداری در باره چک وجود ندارد و لازم‌الاجرا نیست. اما اگر درست بنگریم، در صورتی که صادر کننده چک هم تمکن مالی برای پرداخت وجه چک و خسارت تاخیر تادیه آن نداشته باشد و به تعبیری، معسر از پرداخت باشد، هیچ‌یک از دو وجه اصل و فرع آن، در آن هنگام از چنین بدهکاری قابل وصول نیست. حتی اگر دادگاه نیز به محکومیت او حکم بدهد، در مدت اعسار و تنگدستی وی، به اجرا در نمی‌آید. چنان که بازداشت مدیون معسر نیز با منع

و بازدارندگی قانونی روبرو است (مواد ۳، ۶، ۷، ۱۱ و ۱۸ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب سال ۱۳۹۴).

نکته بسیار شایانی که در ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م، دیدگان را به سوی خود می‌کشاند، به کار بردن اصطلاح و عنصر «سررسید» دین به عنوان آغازگاه و نقطه شروعی برای احراز تغییر فاحش شاخص قیمت سالانه تا هنگام پرداخت است؛ چگونه پذیرفتنی است که تغییر شاخص سالانه در بازه تاریخ سررسید تا هنگام پرداخت دین اصلی، مبنای قانونی محاسبه خسارت تاخیر تادیه برای برخورداری بستانکار باشد ولی دادگاه باید به تاریخ مطالبه خواهان به عنوان نقطه آغازین محاسبه خسارت چشم بدوزد و آن را مورد حکم قرار بدهد؟ این تعارض و ناسازگاری آشکار را چگونه می‌توان نادیده گرفت و از کنار آن به سادگی و بی‌تفاوتی گذشت؟ چرا قانونگذار باید تغییر فاحش شاخص قیمت سالانه را از تاریخ سررسید تا هنگام پرداخت دین، مناط اعتبار برخورداری طلبکار از خسارت تاخیر تادیه قرار بدهد ولی شروع محاسبه خسارت یاد شده، از تاریخ مطالبه طلب از سوی داین باشد؟

پاسخ به پرسش‌های یاد شده می‌تواند از جمله همین بخش پایانی باشد؛ یعنی اگر در بازه تاریخ سررسید دین تا هنگام پرداخت، تغییر شاخص قیمت سالانه، برابر اعلام بانک مرکزی، فاحش باشد، دادگاه خسارت تاخیر تادیه را از تاریخ مطالبه طلب از سوی بستانکار تا زمان پرداخت آن، محاسبه می‌کند و به اجرا در می‌آورد. در صورتی که در فاصله زمانی یاد شده، یعنی تاریخ سررسید دین اصلی تا زمان پرداخت آن، شاخص قیمت سالانه، تغییری نداشته باشد یا در صورت تغییر هم این تغییر شاخص، فاحش نباشد، دادگاه هیچ میزان خسارتی را به عنوان خسارت تاخیر تادیه برای خواهان (بستانکار)، در حکم خود محاسبه و منظور نخواهد کرد.

شایسته است به پرسش دیگری نیز در همین جا پاسخ گوئیم؛ اگر هر آینه، بستانکار طلب خود را از بدهکار بخواهد و او توانایی مالی پرداخت بدهی خود را نداشته باشد، چه اتفاقی از منظر قانونی و قضایی رخ می‌دهد؟ آیا بدهکار حسب آنچه از ظاهر و نمای ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م، برداشت می‌شود، از پرداخت خسارت تاخیر تادیه، بری و معاف می‌گردد؟ چنانچه مطالبه طلب، بارها و به دفعات و البته پس از سررسید یا تاریخ حال شدن دین مانند فوت مدیون در دین مؤجل (ماده ۲۳۱ قانون امور حسبی) یا ورشکستگی تاجر مدیون (مواد ۴۰۵ و ۴۲۱ قانون تجارت)، از سوی بستانکار درخواست شود و هر بار او (بدهکار) ثابت کند که



معسر است و قدرت پرداخت دین را ندارد، این وضعیت چه تاثیری بر حق بستانکار برای برخورداری وی از خسارت تاخیر تادیه می‌گذارد؟ آیا قاعده مقرر در ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م بر این پایه استوار است که فقط در زمان توانایی مالی بدهکار به هنگام مطالبه و خودداری وی از پرداخت دین، خسارت تاخیر تادیه را می‌توان به پای مدیون نوشت و بستانکار را ذی‌حق آن شمرد؟

به باور نگارنده اگر خاستگاه ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م، پرداخت خسارت برای تاخیر تادیه‌های پولی نباشد و فقط برای جبران کاهش ارزش اسکناس و سکه پولی<sup>۱</sup> وضع شده باشد<sup>۲</sup> که همین نیز هست، مطالبه یا عدم مطالبه طلب از مدیون نمی‌تواند و نباید تاثیری در استحقاق بستانکار از این جبران کاستی ابزار پولی که شیوه محاسبه و تعیین آن در مستند قانونی مزبور بیان شده، داشته باشد. در گذشته و به ویژه زمان حاکمیت قانون آیین دادرسی مدنی سال ۱۳۱۸، خسارت تاخیر تادیه در فصل سوم با موضوع «در خسارت تاخیر تادیه» از مواد ۷۱۹ تا ۷۲۶ آن قانون پیش‌بینی شده بود. نکته در خور توجهی که در مواد یاد شده، به چشم می‌خورد خسارت در معنی واقعی و درست آن است؛ زیرا قواعد این فصل از قانون پیشین دادرسی مدنی، حاوی جبران کاهش ارزش اسکناس و پول نیست بلکه بر عکس، خسارتی است که با نرخ معین و ثابت بر اصل دین، افزون<sup>۳</sup> می‌شود. این افزونی مبلغ به نرخ معین دوازده درصد (۱۲٪) محکوم‌به در سال، به طور ثابت به دین مورد حکم تعلق می‌گرفت و در نتیجه این وجه افزون که برآمده از نرخ ثابت قانونی بود، خسارتی محسوب می‌شد که به اصل دین و محکوم‌به اضافه می‌گردید و به بستانکار (خواهان) پرداخت می‌شد (ماده ۷۱۹ آ.د.م سال ۱۳۱۸). نکته مهم در قانون پیشین، مبدأ تاریخ محاسبه خسارت تاخیر تادیه بود که از تاریخ مطالبه دین مورد خواسته به وسیله اظهارنامه انجام می‌پذیرفت. اگر بستانکار از اظهارنامه برای مطالبه اصل دین مورد خواسته استفاده نمی‌کرد، تاریخ اقامه دعوا، آغاز زمانی محاسبه خسارت تاخیر تادیه دین اصلی، به حساب می‌آمد (ماده ۷۲۱ آ.د.م سال ۱۳۱۸). جالب‌تر از همه ماده ۷۲۵ آن قانون بود که برابر آن، خسارت تاخیر تادیه نیازمند اثبات نبود و صرف تاخیر در پرداخت دین اصلی را برای مطالبه و حکم خسارت، بسنده می‌دانست. با

1 . Depreciation: A reduction in the value of an asset like money, paper money or bank note with the passage of time.

۲ . توضیح نگارنده: به این موضوع در بخش بعدی به تفصیل خواهیم پرداخت.

3 . Appreciation: An increase in monetary value.

خواندن مواد قانونی یاد شده، می‌توان به این برآیند رسید که ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م، برداشتی نادرست و اکتباسی نارسا از مواد ۷۲۰ و ۷۲۱ آ.د.م سال ۱۳۱۸ است.

در حقوق آمریکا، به افزایش یا افزودن به ارزش یک مال، Appreciation گویند؛<sup>۱</sup> این اصطلاح با اصطلاح Depreciation مقایسه و هم‌سنجی می‌شود و به طور کلی به معنی فزونی و زیادتی ارزش مال در بازار منصفانه<sup>۲</sup> روی هزینه مودی مالیاتی<sup>۳</sup> یا پایه مالیات<sup>۴</sup> در مورد چنین مالی است. برای نمونه، اگر اساس و پایه ارزش یک کالا و مالی، به مبلغ ۱۰۰۰۰ هزار دلار باشد ولی قیمت منصفانه بازار بالغ بر ۱۵۰۰۰ دلار اعلام شود، افزایش ارزش مال یا همان Appreciation، معادل ۵۰۰۰ دلار است.<sup>۵</sup> همچنین در نقطه مقابل آن، اصطلاح دیگری وجود دارد که به آن، Depreciation گفته می‌شود. این اصطلاح به معنی کاهش و کاستن ارزش اموال به علت استفاده یا مصرف (پوشیدن)<sup>۶</sup> یا کهنگی<sup>۷</sup> آن است. شیوه کاهش ارزش مال، فرمولی است که در ارزیابی بها و برآورد ارزش استفاده از مال یا پوشیدن و یا متروک ماندن و کهنگی آن، در طول عمر مفید و سودمند<sup>۸</sup> مال مزبور، به کار گرفته می‌شود. این شیوه، در محاسبه کسور مالیاتی سالانه قابل قبول<sup>۹</sup> به علت کاهش ارزش اموال مشمول مالیات نیز به کار می‌آید.<sup>۱۰</sup>

### ۳ - ۱ - ۴ - تاثیر شمول مرور زمان بر چک و تاریخ مطالبه وجه آن

سرنامه بالا برخاسته از پرسشی است که به تاثیر قانونی شمول مرور زمان بر چک، خسارت تاخیر تادیه وجه چک و مبدأ تاریخ محاسبه آن ارتباط دارد. اگر چکی مشمول مرور زمان شود، آیا چک مزبور از شمول مقررات قانون تجارت نیز خارج می‌شود و به تبع آن، خسارت

- 1 . Bryan A. Garner, Black's Law Dictionary, West Thomson Reuters, USA, Ninth edition, 2009, P 110.
- 2 . Fair market value of property.
- 3 . Taxpayer's cost
- 4 . Tax basis in such property.
- 5 . Steven H. Gifis, Law Dictionary, Barron's Legal Guides, Seventh edition, 2016, USA, P 34.
- 6 . Wear.
- 7 . Obsolescence.
- 8 . Asset's useful life.
- 9 . Allowable annual tax deduction.
- 10 . Bryan A. Garner, Black's Law Dictionary, West Thomson Reuters, USA, Ninth edition, 2009, P 473.

تاخیر تادیه آن نیز دیگر از تبصره الحاقی به ماده ۲ قانون صدور چک و قانون استفساریه آن پیروی نخواهد کرد؟ در این باره، از اداره کل حقوقی قوه استعلام به عمل آمد و نظر مشورتی خواسته شد. سوال این بود که چکهایی که برابر ماده ۳۱۸ قانون تجارت مشمول مرور زمان می‌شوند، دادگاه در خصوص اصل مبلغ چک، چه تصمیمی اتخاذ می‌نماید؟ آیا خسارت تاخیر تادیه این چکها بر اساس رای وحدت رویه شماره ۸۱۲ برای مورخ ۱۴۰۰/۴/۱، از تاریخ تقدیم دادخواست محاسبه خواهد شد یا از تاریخ گواهی عدم پرداخت چک؟

در پاسخ به پرسش بالا، اداره حقوقی قوه قضاییه اعلام داشته که چون دارنده چک پس از سپری شدن مهلت‌های مقرر در مواد ۳۱۸ و ۳۱۹ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ اقدام به طرح دعوا کرده است، بنابراین دعوی مذکور از شمول قانون تجارت خارج است و دارنده چک فقط می‌تواند بر اساس مقررات قانون مدنی، به طرفیت شخصی که با وی رابطه حقوقی داشته است اقامه دعوا کند. بنابراین، چنین چکی مشمول رأی وحدت رویه شماره ۸۱۲ مورخ ۱۴۰۰/۴/۱ هیأت عمومی دیوان عالی کشور نمی‌شود و محاسبه خسارت تأخیر تادیه آن سند نیز برابر مقررات عمومی و از جمله ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ انجام می‌پذیرد.<sup>۱</sup>

چنان که در بخش پیشین گفتیم و در سرنامه آتی نیز خواهیم گفت، دیون پولی و مطالبات آن دارای هر خاستگاه و پایگاه حقوقی نیز باشند، در ماهیت با یکدیگر تفاوتی ندارند. خسارت تاخیر تادیه و مبدأ محاسبه آنها نیز یکسان انجام می‌شود. به باور نگارنده اگر قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹/۱/۲۱ و ماده ۵۲۲ آن قانون، زودتر از تبصره الحاقی ۱۳۷۶/۴/۲۹ به ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی و تبصره الحاقی ۱۳۷۶/۳/۱۰ به ماده ۲ قانون صدور چک و قانون استفساریه آن مصوب ۱۳۷۷/۹/۲۱ مجمع تشخیص مصلحت نظام، به تصویب می‌رسید، قانونگذار هیچ‌گاه دو مستند قانونی مربوط به خسارت تاخیر تادیه وجه چک و مهر

۱. نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۰/۱۷۰۶ مورخ ۱۴۰۱/۱/۱۶ اداره کل حقوقی قوه قضاییه پرونده شماره ۱۷۰۶-۸۸-۱۴۰۰ ح: «... با توجه به اینکه در فرض سؤال، دارنده چک پس از انقضاء مهلت‌های مقرر در مواد ۳۱۸ و ۳۱۹ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ اقدام به طرح دعوا کرده است، لذا دعوی مذکور از شمول قانون تجارت خارج بوده و دارنده صرفاً می‌تواند در خصوص مبلغ چک به طرفیت شخصی که با وی رابطه حقوقی داشته است، بر اساس مقررات قانون مدنی اقدام کند؛ بنابراین، از شمول رأی وحدت رویه شماره ۸۱۲ مورخ ۱۴۰۰/۴/۱ هیأت عمومی دیوان عالی کشور خارج است و خسارت تأخیر تادیه برابر مقررات عمومی و از جمله ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ محاسبه می‌شود.»

را وضع نمی‌کرد. بنابراین به علت یکسانی ماهیت بدهی‌های پولی، قطع نظر از منشأ و خاستگاه پیدایش آن، محاسبه خسارت تاخیر تادیه دیون و آغاز زمانی این شمارش، با یک شیوه انجام می‌پذیرد. به دیگر سخن می‌توان بر این باور شد که قانونگذار ایران با توجه نگرانی از ورود بهره و ربح به نظام قانونی و قانونگذاری کشور، گام به گام و به صورت موردی و خاص، آن را پذیرفته و در قالب فقط یک شیوه جبران کاهش ارزش اسکناس و نه خسارت پولی، در قوانین ایران جای داده است.

با توجه به آنچه گفته شد، به باور نگارنده تحلیل و برداشت اداره کل حقوقی قوه قضاییه که نظریه مشورتی آن در بالا آورده شد، نادرست است و با قانون تجارت نیز سازگاری ندارد. زیرا شمول مرور زمان ۵ ساله نسبت به چک و حتی سایر اسناد تجاری مانند برات و سفته که در ماده ۳۱۸ قانون تجارت پیش‌بینی شده، باعث دگرگونی ماهیت آن اسناد تجاری به یک سند مدنی نمی‌شود. زیرا شمول مرور زمان بر چک در فرض ایراد خواننده (متعهد و مدیون)، قابلیت مطالبه قانونی آن را از بین می‌برد (ماده ۲۶۶ قانون مدنی) ولی ماهیت و عنوان چک را از روی سند یاد شده، بر نمی‌دارد. مرور زمان به معنی گذشتن مدتی است که به موجب قانون، پس از سپری شدن آن مدت قانونی، دعوا دیگر شنیدنی و استماع‌پذیر نیست (ماده ۷۳۱ آ.د.م. سال ۱۳۱۸). آنچه باعث از بین رفتن ماهیت چک می‌شود و آن را از هویت چک، تهی و خارج می‌کند، فقدان یکی از شرایط اساسی و شکلی سند تجاری است نه شمول مرور زمان. قاعده‌ای که در همه اسناد تجاری ناظر به پرداخت پول حاکمیت دارد (مواد ۲۲۳، ۲۲۶، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۱۰، ۳۱۱ و تبصره ماده ۳۱۹ قانون تجارت). بنابراین اگر اسناد تجاری مزبور دارای همه شرایط اساسی مقرر در قانون تجارت (شرایط شکلی سند) نباشد یا به گفته قانون، یکی از شرایط اساسی مقرر در قانون تجارت را فاقد باشد، دیگر حسب مورد برات، سفته و چک محسوب نمی‌شود و وجه آن نیز بر اساس مقررات حاکم بر اسناد تجاری مقرر در قانون تجارت قابل مطالبه نخواهد بود (تبصره ماده ۳۱۹ قانون تجارت). تنها مزیتی که قانونگذار برای دارنده سند تجاری که مشمول مرور زمان شده یا فاقد یکی از شرایط اساسی مقرر در قانون تجارت است، امکان استفاده از مرور زمان اموال منقول برای مطالبه وجه سند از کسی است که از وجه یاد شده به زیان او استفاده بلاجهت کرده است (ماده ۳۱۹ قانون تجارت).<sup>۱</sup> مرور زمان پنج ساله موضوع ماده ۳۱۸ قانون تجارت نیز چنان که

۱. رأی وحدت رویه شماره ۶۲۲ مورخ ۱۳۴۵/۴/۲۰ هیأت عمومی دیوان عالی کشور.

گفته‌اند با توجه به سیاق عبارت به کار رفته از سوی مقنن، فقط ناظر به دعاوی است که به طور مستقیم از اوراق تجاری یاد شده ناشی می‌شود؛ مانند دعاوی دارنده برات یا قائم‌مقام او علیه قبول‌کننده و صادرکننده و ظهرنویسان برات و به تعبیری دعاوی میان امضاء کنندگان اسناد تجاری.<sup>۱</sup> در این باره، دیوان عالی کشور بر این نظر قرار گرفت که چون برابر بند ۸ ماده ۲ قانون تجارت، صدور برات بالذات و به طور مطلق عمل تجارتي است بنابراین شرط و قید مذکور در ماده ۳۱۸ آن قانون که در مورد مرور زمان وضع گردیده و مقرر می‌دارد: «دعاوی راجعه به برات و فته طلب و چک که از طرف تجار یا برای امور تجارتي صادر شده»، فقط مربوط به فته طلب و چک معامله است و ارتباطی با برات که معاملات آن در شمار معاملات تجارتي و ذاتاً تجاری است، ندارد.<sup>۲</sup>

نکته دیگر که در نظریه مشورتي اداره حقوقی قوه قضائیه نادیده گرفته شده، ماهیت و چگونگی اجرای قواعد مرور زمان است. قابل استماع نبودن دعوا در فرض شمول مرور زمان متوقف بر طرح ایراد آن از سوی خواننده دعوا است و مادام که چنین ایرادی مطرح نشود، دادگاه نمی‌تواند از استماع دعوا خودداری کند (ماده ۷۳۲ آ.د.م. سال ۱۳۱۸). به حکایت مواد ۷۳۱، ۷۳۲ و ۷۳۵ قانون آیین دادرسی مدنی پیشین مصوب سال ۱۳۱۸، با گذشت مواعد مقرر در بخش مربوط به شمول مرور زمان و همچنین ایراد خواننده دعوا، دعوا دیگر شنیده نمی‌شود و حق اقامه دعوی خواهان (بستانکار) را ساقط می‌کند، اما حق طلبکار به قوت خود باقی است. زیرا وفق ماده ۷۳۵ همان قانون و ماده ۲۶۶ قانون مدنی، هرگاه مدیون به اختیار خود، طلب دائن را بدهد، نمی‌تواند به استناد این که مورد دین مشمول مرور زمان شده بود، استرداد آن را بخواهد.<sup>۳</sup> بنابراین برخلاف نظر مشورتي اداره حقوقی قوه قضائیه، صرف

۱. کاتوزیان - ناصر، مقاله «مرور زمان اسناد تجاری»، مجله کانون و کلاء، سال هشتم، فروردین و اردیبهشت ۱۳۳۵، ش ۴۷، صص ۱۰۱ و ۱۰۲.

۲. رأی اصراری شماره ۲۷۸۳ مورخ ۱۳۳۹/۹/۱۲ هیأت عمومی شعب حقوقی دیوان عالی کشور: برگرفته از مجموعه رویه قضایی کیهان، آرشیو حقوقی کیهان، آراء هیأت عمومی دیوان عالی کشور از سال ۱۳۲۸ تا سال ۱۳۴۲، جلد دوم - آراء مدنی، چاپ دوم، سال ۱۳۵۳، صص ۳۱۵ تا ۳۱۹، ش ۱۳۲.

۳. برای خواندن بیشتر بنگرید به: نهرینی - فریدون، آیین دادرسی مدنی، جلد دوم، «دعوا، شرایط اقامه و استماع آن»، (با بازنگری و افزودنی)، انتشارات گنج دانش، چاپ دوم، سال ۱۴۰۰، صص ۴۸۷ تا ۴۸۹ و همچنین از همان نویسنده، مقاله «نقدی بر یک سخنرانی و بحثی پیرامون قوانین جدید دادرسی»، مجله کانون و کلاهی دادگستری مرکز، شماره پیاپی ۱۸۲ و شماره دوره جدید ۱۳، پاییز ۱۳۸۲، صص ۶۷ و ۶۸.

گذشت مدت مرور زمان پنج سال موضوع ماده ۳۱۸ قانون تجارت، موجب استماع ناپذیری دعاوی راجع به برات و سفته و چک و صدور قرار عدم استماع آن دعاوی نمی شود بلکه هنگامی این گونه دعاوی پس از سپری شدن پنج سال مدت مرور زمان، در دادگاه شنیده نخواهد شد که خواننده دعوا به آن ایراد شمول مرور زمان بگیرد (بند ۴ ماده ۱۹۷ آ.د.م. سال ۱۳۱۸).

### ۳- ۱- ۵- جبران کاهش ارزش اسکناس در تعهدات پولی

هدف از وضع ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م با وجود تنگناها و بازدارندگی قانونی دیگر در قلمرو امکان مطالبه خسارت‌های پولی نظیر ممنوعیت معاملات ربوی (ماده ۶۵۴ قانون مدنی و ماده ۵۹۵ قانون مجازات اسلامی - تعزیری سال ۱۳۷۵) و قابل مطالبه نبودن وجوه برخاسته از معاملات نامشروع (تبصره الحاقی ۱۳۸۲/۶/۲ به ماده ۷ اصلاحی ۱۳۸۲/۶/۲ قانون صدور چک<sup>۱</sup>)، جبران کاهش ارزش اسکناس در تعهدات پولی است. قانونگذار پس از انقلاب بهمن سال ۱۳۵۷، به پیروی از نظریه شماره ۹۳۴۸ مورخ ۱۳۶۶/۱۰/۲۴ شورای نگهبان، محاسبه و گرفتن بهره نسبت به بدهی‌های پولی را منع کرد و در موارد بسیار استثنایی که به مطالبات بانکها از مشتریانشان ارتباط داشت، آن را در قالب قراردادهای اسلامی مجاز دانست (قانون عملیات بانکی بدون ربا مصوب سال ۱۳۶۲). البته شورای نگهبان در نظریه دیگری به شماره ۹۳۴۸ مورخ ۱۳۶۶/۱۰/۲۴، مطالبه بهره و خسارت تاخیر تادیه از اشخاص و اتباع بیگانه را که بر حسب مبنای عقیدتی خود، دریافت آن را ممنوع نمی دانند، شرعاً مجاز اعلام داشت و آن را مغایر با اصول قانون اساسی نیز ندانست.

افزون بر آن حتی هنگامی که بانک مرکزی بر پایه مصوبه هفتصد و هشتادمین جلسه مورخ ۱۳۷۰/۱/۲۴ شورای پول و اعتبار، اقدام به صدور بخشنامه شماره نب ۵۳۰ مورخ ۱۳۷۰/۲/۲۱ برای تعیین نرخ جریمه تاخیر تادیه نمود، بخشنامه مزبور به علت مغایرت آن با موازین شرع، نزد دیوان عدالت اداری مورد درخواست ابطال قرار گرفت. بخشنامه بانک مرکزی مقرر می داشت: «جریمه تاخیر تادیه ضمانت نامه‌های پرداخت نشده از زمان پرداخت وجه تا هنگام تسویه حساب با مضمون عه در بخشهای مختلف بر مبنای حداکثر نرخ قطعی

---

۱. تبصره الحاقی ۱۳۸۲/۶/۲ به ماده ۷ اصلاحی ۱۳۸۲/۶/۲ قانون صدور چک: «این مجازات‌ها شامل مواردی که ثابت شود چک‌های بلامحل بابت معاملات نامشروع و یا بهره ربوی صادر شده نمی باشد.»

تعیین شده در بخش مربوط به علاوه ۶٪ محاسبه و اخذ گردد. اداره حقوقی بانک مرکزی در دفاع از بخشنامه بانک مرکزی، ضمن استناد و تکیه بخشنامه به مصوبه مورخ ۱۳۷۰/۱/۲۴ شورای پول و اعتبار، اعلام داشت که دریافت خسارت تاخیر تادیه از شاکی مبنای قراردادی دارد و برابر نظر مورخ ۱۳۷۶/۵/۲۳ شورای نگهبان نیز خسارت تاخیر تادیه ربا نیست و اگر ضمن عقد، شرط شود، بی‌اشکال است و عدم شرط آن، حرام محسوب می‌شود. پس از استعلام دیوان عدالت اداری از شورای نگهبان، فقیهان آن شورا در جلسه مورخ ۱۳۸۵/۱۰/۶ به این تصمیم رسیدند و اعلام داشتند که بخشنامه بانک مرکزی، خلاف موازین شرعی شناخته نشد. هیات عمومی دیوان عدالت اداری نیز پس از دریافت نظر فقیهان شورای نگهبان، مصوبه مورد شکایت را معایر قانون تشخیص نداد و از ابطال آن خودداری کرد.<sup>۱</sup> در پرونده دیگری که برای ابطال بخشنامه مدیر کل تصفیه امور ورشکستگی قوه قضاییه، از شورای نگهبان استعلام شده، فقهای شورای نگهبان در پاسخ به رییس هیات عمومی دیوان عدالت اداری اعلام داشت که مفاد بخشنامه در مورد مسوولیت راهنین به پرداخت خسارت تاخیر تادیه، خلاف شرع است و چون رهن فقط شامل دین مستقر می‌شود، مسوولیت ضامنین نیز در حدود قراردادهای معتبر ضمانت منعقد است و بیش از آن، خلاف شرع است.<sup>۲</sup>

۱. الف - رای شماره ۴۸۸ مورخ ۱۳۸۶/۲/۱ هیات عمومی دیوان عدالت اداری: به شرح نظریه شماره ۸۵/۳۰/۱۸۸۰۴ مورخ ۱۳۸۵/۱۰/۷ فقهای محترم شورای نگهبان بخشنامه شماره نب/۵۳۰ مورخ ۱۳۷۰/۲/۲۱ بانک مرکزی متضمن اعلام و ابلاغ مصوبه شورای پول و اعتبار در خصوص تعیین نرخ جریمه تاخیر تادیه، خلاف احکام شرع شناخته نشده است و نظر به وظایف و مسوولیت‌های قانونی شورای مزبور در خصوص مورد و اینکه مدلول مصوبه مورد اعتراض منحصراً مبین لزوم محاسبه و اخذ سود و جریمه تأخیر تادیه مطالبات بانکها بابت ضمانت‌نامه‌های پرداخت شده بر حسب نوع و بخش فعالیت مضمون‌عنه بر اساس بخشنامه‌های مورد استناد است، بنابراین مصوبه مورد اعتراض معایر قانون نیز نمی‌باشد و موردی برای ابطال آن وجود ندارد.»

ب - برای خواندن بیشتر راجع به تعهدات برخاسته از معاملات نامشروع و بهره‌های ربوی و ممنوعیت‌های قانونی مطالبه آن، بنگرید به: فریدون نهرینی، اعاده دادرسی به تشخیص رئیس قوه قضاییه، انتشارات گنج دانش، چاپ سوم، سال ۱۳۹۴، صص ۶۱ تا ۷۲، از همان نویسنده، آیین دادرسی مدنی، جلد دوم، «دعوا، شرایط اقامه و استماع آن»، (با بازنگری و افزودنی)، انتشارات گنج دانش، چاپ دوم، سال ۱۴۰۰، صص ۴۶۲ تا ۴۶۶، همچنین مقاله «متفرعات دعوا و ویژگی‌های آن»، ارج نامه دکتر الماسی، مجموعه مقالات اهدا شده به دکتر نجاد علی الماسی، شرکت سهامی انتشار، چاپ اول، سال ۱۳۹۱، صص ۵۸۰ تا ۵۸۴.

۲. نامه مورخ ۱۴۰۱/۴/۱۵ قائم‌مقام دبیر شورای نگهبان به رییس هیات عمومی دیوان عدالت اداری: «عطف به نامه شماره ۹۸۰۲۴۲۵ مورخ ۱۳۹۸/۷/۲۲؛ موضوع بخشنامه شماره ۹۰۰۰/۳۴۷۹/۱۵۴۰ مورخ ۱۳۹۸/۲/۱۸ مدیر کل تصفیه

نکته شایسته بررسی در باره خسارت تاخیر تادیه موضوع ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م، ماهیت و چیستی آن است. در مفهوم ضرر یا خسارت گفته شده که: «هر جا که نقصی در اموال ایجاد شود یا منفعت مسلمی از دست برود یا به سلامت و حیثیت و عواطف شخص لطمه‌ای وارد آید، می‌گویند ضرری به بار آمده است». با این ترتیب کاستن از دارایی شخص و جلوگیری از فزونی آن به هر عنوان و شیوه که باشد، اضرار به او است.<sup>۱</sup> گروهی دیگر از استادان، ضرر را دارای معنی عرفی دانستند که هرگونه صدمه مادی یا معنوی وارد به شخص را در بر می‌گیرد.<sup>۲</sup> برخی دیگر نیز مراد از ضرر را ضرر ناروا خوانده‌اند که عرف آن را ضرر جبران کردنی می‌داند.<sup>۳</sup> حال باید دید با تعریفی که از زیان و خسارت ارائه شده، آیا خسارت تاخیر تادیه را نیز می‌توان در زمره این تعاریف و آثار آورد؟ برجسته‌ترین نکته، به ماهیت خسارت تاخیر تادیه و موضوع کاهش ارزش ارتباط دارد؛ این که بدانیم آنچه کاهش ارزش یافته، پول است یا اسکناس و سکه فلزی رایج؟

برخی از نویسندگان، با اعتقاد به کاهش مستمر ارزش پول، نگاه خود را به ماده ۲۷۵ قانون مدنی دوختند و بر آن اساس گفتند که مدیون باید برای ایفای تعهد، آن مقدار مالی را به دائن پرداخت کند که موضوع تعهد بوده است و با توجه به کاهش مستمر ارزش پول، مدیون باید مقدار پولی را به طلبکار پرداخت نماید که معادل ارزش و مالیت پول در ذمه

امور ورشکستگی قوه قضاییه در خصوص معافیت ورشکستگان از پرداخت خسارت تاخیر تادیه، در ... ۱۳۹۹/۱۱/۲۳  
فقهای معظم شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که به شرح ذیل اعلام نظر می‌گردد: - مفاد بخشنامه در خصوص مسئولیت رهنین به پرداخت خسارت تاخیر تادیه خلاف شرع شناخته شد چون رهن صرفاً شامل دین مستقر است، مسئولیت ضامن نیز در حدود قراردادهای معتبر ضمانت منعقد است و فراتر از آن خلاف شرع است.

۱. کاتوزیان - ناصر، الزام‌های خارج از قرارداد؛ مسوولیت مدنی، جلد اول: قواعد عمومی، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ هشتم، سال ۱۳۸۷، ص ۲۴۲، ش ۹۷.

۲. صفایی - سید حسین و رحیمی - حبیب‌الله، مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)، انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، چاپ اول، زمستان ۱۳۸۹، ص ۱۰۰، ش ۶۱.

۳. جعفری تبار - حسن، مسئولیت مدنی کالاها، نشر نگاه معاصر، چاپ یکم، ویراست سوم، سال ۱۳۹۶، ص ۱۴۹، ش



باشد. در غیر این صورت موضوع تادیه کمتر از مقدار پولی است که مدیون چند سال پیش بر ذمه گرفته است.<sup>۱</sup>

شاید بهتر بود استادان و کاردانان حوزه حقوق بانکی و اقتصادی در باره چستی خسارت تاخیر تادیه و چگونگی کاهش ارزش پول، جستاری می‌داشتند و برآیند پژوهش خود را از نقطه نظر فنی و تخصصی حقوق پول، ابراز می‌داشتند. استاد دکتر مهدی شهیدی در این باره، دیدگاه و نگرش ظریفی داشتند که بسیار شایسته توجه است؛ به اعتقاد ایشان، اگر میزان کاهش ارزش اسکناس، خسارت تلقی شود، شرایط مقرر در ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م، قابل قبول است اما این مبلغ را نمی‌توان خسارت تلقی کرد. زیرا پول در ماهیت، از اموال اعتباری است نه مادی و عینی. در حقیقت اسکناس‌های در جریان، خود پول نیست بلکه نماینده پول است و ارزش تبعی دارد. بنابراین پول عبارت از ارزش اقتصادی و مبادله‌ای است که در واحد اسکناس، انعکاس دارد. پس بالا رفتن شاخص هزینه زندگی یا افزایش قیمت کالاها و خدمات، چیزی جز کاهش ارزش اسکناس (و نه پول) و یا به تعبیری خالی شدن تدریجی پول از اسکناس نیست. با این ترتیب، جبران تغییر ارزش اسکناس که به طور معمول با کاهش آن همراه است، خسارت محسوب نمی‌شود بلکه تنها ایفای اصل دین است. در پایان استاد به این دستاورد منطقی می‌رسند که برای مسئولیت مدیون به جبران کاهش ارزش اسکناس، نباید شرایط و قیود مندرج در ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م را در نظر گرفت.<sup>۲</sup>

درست است که مستند قانونی یاد شده (ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م)، با موضوع «خسارت» در فصل دوم از باب نهم قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹/۱/۲۱ قرار گرفته است ولی اگر به شرایط و جهات آن به درستی بنگریم، در می‌یابیم که موضوع ماده ۵۲۲ آن قانون، با توجه به جای‌گیری آن در فصل دوم از باب نهم قانون یاد شده با عنوان «خسارات»، اگر چه خسارت است ولی خسارت تاخیر تادیه در معنی حقوقی و جایگاه قانونی آن نیست. زیرا با توجه به برخورد متناوب شورای نگهبان در دادن پاسخ منفی به پرسش‌هایی که ناظر به مطالبه خسارت تاخیر تادیه و ربح بوده، بسیار روشن

۱. غریبه - علی، مقاله «بررسی فقهی - حقوقی قابلیت مطالبه میزان کاهش ارزش پول و خسارت تاخیر تادیه»، فصلنامه

تخصصی فقه و تاریخ تمدن، شماره شانزدهم، سال چهارم، سال ۱۳۸۷، ص ۶۱.

۲. شهیدی - مهدی، حقوق مدنی - جلد سوم، آثار قراردادها و تعهدات، انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد، چاپ

اول، سال ۱۳۸۲، صص ۲۸۰ تا ۲۸۲، ش ۱۵۱.

است که هرگونه افزودنی به اصل بدهی و دین مورد مطالبه از سوی بستانکار، به نوعی بهره تلقی می‌شد و ریختن چنین جوهری در قالب یک مستند قانونی مصوب مجلس شورای اسلامی و یا حتی مصوبات دولتی و عمومی، با واکنش سخت و بازدارندگی شورای نگهبان روبرو می‌گردید. پس به نظر می‌رسد، محتوا و قاعده درون ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م که از صافی و مرزهای فقهی شورای نگهبان نیز به سلامت عبور کرده است، بیانگر برقراری حکمی راجع به افزودن وجه یا پولی به شماره اصل دین نیست. بلکه فقط ترمیم ارزش کاسته شده و بازگرداندن ارزش موضوع دین، به هدف جبران خسارت وارده به اصل مورد تعهد پولی است. مفاد و رهاورد اجرای این قاعده جبرانی، بیشتر به همان جبران کاهش ارزش اسکناس (پول رایج) و بالا بردن توان معاملاتی آن به روز پرداخت دین است. آنچه این دیدگاه را استوار می‌کند و قوام می‌بخشد، افزون بر قوانین کنونی پیش گفته و نظریات شورای نگهبان، شیوه محاسبه این گونه از خسارت یا وجه جبرانی، برای به روز کردن بدهی پولی است. تبدیل شماره وجه موضوع دین اصلی به ارزش روز پرداخت آن، از طریق احراز تغییر شاخص قیمت سالانه و تعیین آن از سوی بانک مرکزی، صورت می‌پذیرد. بر همین اساس نیز نگاهی به شیوه محاسبه برای به روز کردن بدهی پولی، حکایت از آن دارد که در این روش، خسارت تاخیر تادیه به صورت جداگانه تعیین و اعلام نمی‌شود و سپس با اصل بدهی، جمع نمی‌گردد بلکه در پایان این روش محاسباتی، فقط یک رقم به دست می‌آید و آن طلب یا بدهی به روز شده است. برابر این روش محاسباتی، نخست وجه بدهی مورد مطالبه در عدد شاخص سال قبل از پرداخت، ضرب می‌شود و آنگاه حاصل جمع آن، بر عدد شاخص در سال سررسید دین، تقسیم می‌گردد و هر آنچه از این تقسیم به دست می‌آید، طلب به روز شده بستانکار است که بدهکار در روز اجرای حکم باید آن را در حق بستانکار بپردازد. بنابراین ما با دو مبلغ روبرو نیستیم که یکی وجه موضوع دین اصلی و آن دیگری خسارت تاخیر تادیه مورد محاسبه باشد. چنان که گفتیم فقط یک مبلغ به دست می‌آید که دین جبران شده است. این شیوه محاسباتی، هم در مورد وجه نقد موضوع مهر و هم وجه چک نیز به کار می‌رود. برابر تبصره الحاقی به ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی، پس از مطالبه مهر (وجه رایج) مندرج در عقد، دادگاه حتی بدون درخواست زوجه مکلف است رأساً آن را به نرخ روز و

بر اساس شاخص بانک مرکزی تقویم و در حکم خود درج کند. چون محاسبه نرخ مزبور، خسارت تاخیر تادیه محسوب نمی‌شود.<sup>۱</sup>

بنابراین به باور نگارنده استدلال و برداشت شعبه محترم سی و هفتم دادگاه تجدیدنظر استان تهران که در دادنامه شماره ۰۵۰۳ مورخ ۱۳۹۲/۰۵/۱۶ آن دادگاه انعکاس یافته، درست است و با مبانی و هدف از وضع ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م و همچنین حقوق ماهوی و آیینی کنونی ایران، سازگاری و انطباق دارد.

### ۳ - ۱ - ۶ - نقد پایانی در اصلاح رای دادگاه نخستین

شعبه ۳۱ دادگاه تجدیدنظر استان تهران ضمن اصلاح حکم تجدیدنظرخواسته از حیث تاریخ محاسبه خسارت تاخیر تادیه وجه چک، با این استدلال که اشتباه دادگاه نخستین به اساس رای خلل و خدشه‌ای وارد نمی‌کند، با رد تجدیدنظرخواهی، حکم مورد شکایت را تایید و استوار می‌کند. دگرگونی که از سوی دادگاه تجدیدنظر در رای تجدیدنظرخواسته صورت گرفته، ناظر به تاریخ مبدأ محاسبه خسارت تاخیر تادیه است. به این توضیح که دادگاه نخستین در مورد مطالبه وجوه چک‌ها، خسارت تاخیر تادیه را از زمان تقدیم دادخواست محاسبه کرده بود ولی شعبه ۳۱ دادگاه تجدیدنظر، بر اساس قانون استفساریه تبصره الحاقی ۱۳۷۶/۳/۱۰ به ماده ۲ قانون اصلاح موادی از قانون صدور چک مصوب ۱۳۷۱/۲/۱۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام و همچنین نظریه تفسیری مورخ ۱۳۷۹/۹/۲۱ مجمع در خصوص محاسبه خسارت تأخیر تادیه بر مبنای نرخ تورم، محاسبه تأخیر تادیه چک را از تاریخ صدور چک تا زمان وصول آن اعلام داشت. دادگاه تجدیدنظر در پایان رای خود، با اصلاح رای دادگاه نخستین از جهت تاریخ آغاز محاسبه خسارت تاخیر تادیه، رای مورد شکایت تجدیدنظر را با این اصلاح و مستند به مواد ۳۵۱ و ۳۵۸ قانون آیین دادرسی مدنی استوار کرد.

حکم دادگاه تجدیدنظر به علت تفاوت در استدلال و استناد و حتی تاثیر آن در نتیجه این استدلال که به افزودن میزان خسارت به ویژه از جهت آغاز محاسبه خسارت تاخیر تادیه از تاریخ چک انجامیده، حکمی کاملاً متفاوت با رای دادگاه نخستین در بخش خسارت

۱. نهرینی - فریدون، آیین دادرسی مدنی، جلد دوم، «دعوا، شرایط اقامه و استماع آن»، (با بازنگری و افزودنی)، انتشارات گنج دانش، چاپ دوم، سال ۱۴۰۰، ص ۳۱۸.

تاخیر تادیه است. بنابراین دادگاه تجدیدنظر اگر استدلال دادگاه نخستین را در باره امکان مطالبه، آغاز و نحوه محاسبه خسارت تاخیر تادیه، نادرست می‌پندارد، نباید در قالب اصلاح رای، به تایید حکم تجدیدنظرخواسته روی بیاورد. بلکه شایسته است با فسخ رای تجدیدنظرخواسته در این بخش، به صدور حکم نوین دست بزند. البته میان فسخ حکم بدوی راجع به اصل دعوا و متفرعات آن، تفاوتی هست که در نوشته‌ای دیگر به آن پرداختیم.<sup>۱</sup>

### ۳ - ۲ - نقش مطالبه طلب در حقوق انگلستان

در حقوق انگلستان نیز مطالبه و درخواست بازپرداخت دین و بدهی، جایگاهی ویژه در قراردادهای بانکی دارد. در آنجا این موضوع با عنوان «درخواست‌ها در ادعاهای پولی»<sup>۲</sup> به بررسی گذاشته شده است. چنانچه بانک به مشتری خود، مبلغی پول، بدهکار باشد مانند پولی که به اعتبار مشتری در یک حساب جاری<sup>۳</sup> یا حساب سپرده بانکی<sup>۴</sup> وی نگهداری می‌شود، مشروط به وجود یک توافق مخالف<sup>۵</sup>، مطالبه وجه از سوی مشتری، یک شرط پیشینی و مقدماتی برای بازپرداخت آن<sup>۶</sup> است<sup>۷</sup> و مطالبه سپرده (خواستن وجه موجود یا مورد اعتبار در حساب سپرده) می‌بایست در شعبه‌ای از بانک انجام پذیرد که حساب بانکی در آن گشایش یافته و قرار دارد. در همه وضعیت‌های دیگری که پولی بدون مدت معین برای بازپرداخت، سپرده و قرض گرفته شده است، از جمله مانند قرض دادن پولی که عندالمطالبه<sup>۸</sup> قابل پرداخت است، اضافه برداشت از حساب بانکی<sup>۹</sup> که مشروط به وجود قرارداد مخالف، قابل پرداخت عندالمطالبه است، رکن مطالبه در حقوق عرفی<sup>۱۰</sup> به عنوان شرط مقدماتی

۱. برای خواندن بیشتر بنگرید به: نهرینی - فریدون، آیین دادرسی مدنی، جلد چهارم، «شیوه‌های عادی شکایت از رای دادگاه و چگونگی بازنگری آن (واخواهی و تجدیدنظر)»، انتشارات گنج دانش، چاپ اول، پاییز ۱۴۰۱، صص ۴۳۰ تا ۴۳۲ و ۶۸۸ تا ۶۹۴.

2. Demands in Money Claims.
3. Current account.
4. Deposit account.
5. Subject to contrary agreement.
6. A condition precedent to repayment.
7. *N. Joachimson v Swiss Bank Corporation (1921)*.
8. On demand.
9. Bank overdrafts.
10. Common Law.

پرداخت، در نظر گرفته نشد.<sup>۱</sup> این موضوع بدین معنی بود که مدت محدودی از تاریخ اعطای وام آغاز می‌شد. با این وجود تاثیر بخش ششم قانون محدودیت مصوب سال ۱۹۸۰<sup>۲</sup>، این است که در ارتباط با وام‌هایی که دارای مدت معین<sup>۳</sup> نیستند، زمان فقط برای اهداف و مقاصد محدود<sup>۴</sup> از تاریخ انجام مطالبه یا ارائه درخواست شروع می‌شود. انجام درخواست و مطالبه دین، اهمیت بیشتری در موضوعات دادن وام دارند. زیرا به موجب شرایط مقرر در توافق‌های تضمینی (عقد رهن)<sup>۵</sup> مانند عقود تضمینی<sup>۶</sup> و رهنی<sup>۷</sup>، توسل به تامین<sup>۸</sup> یا حق تعیین یک دریافت کننده<sup>۹</sup>، معمولاً فقط پس از مطالبه انجام می‌پذیرد. برای کارا بودن و موثر افتادن مطالبه، درخواست بازپرداخت دین باید حاوی یک اعلام روشنی<sup>۱۰</sup> باشد که پرداخت مورد لزوم و بایسته است. این مطالبه می‌بایست به صورت جزمی و بی چون و چرا در شخصیت درخواست کننده و همچنین بدون شرط<sup>۱۱</sup> انجام پذیرد. اما زبان یا همان واژگان به کار رفته برای مطالبه اهمیتی ندارد و نیازی نیست واژه «درخواست»<sup>۱۲</sup> مورد بهره‌برداری و استفاده قرار گیرد.<sup>۱۳</sup> حتی نیازی نیست مبلغی که باید پرداخت شود بیان گردد.<sup>۱۴</sup> در انگلستان و ولز قاعده این است که مقتض (وام گیرنده)<sup>۱۵</sup> پول قابل پرداخت عندالمطالبه<sup>۱۶</sup>، باید پول آماده‌ای داشته باشد تا در هر زمانی، آن را بازپرداخت کند، به گونه‌ای که فقط هنگامی که باید میان مطالبه طلب<sup>۱۷</sup> و در نظر گرفتن زمان نکول و خودداری وام گیرنده از پرداخت<sup>۱۸</sup>، مجاز باشد،

1 . *Bradford Old Bank v Sutcliffe (1918)*.

2 . Limitation Act 1980.

3 . Fixed term.

4 . Limitation purposes.

5 . Security agreements.

6 . Guarantee contract.

7 . Mortgages.

8 . Security.

9 . Right to appoint a receiver.

10 . Clear intimation.

11 . Unconditional.

12 . Demand.

13 . *Re Colonial Finance, Mortgage, Investment and Guarantee Corporation Ltd (1905)*.

14 . *Bank of Baroda v Panessar (1987)*.

15 . Borrower.

16 . Money repayable on demand.

17 . Making a demand.

18 . Borrower as being in default.

زمان لازم برای تاثیر مکانیزم و شیوه پرداخت<sup>۱</sup> است و اگر معلوم شود قرض گیرنده پولی ندارد، پس، اعطای هیچ زمان و مجالی نیز پذیرفتنی و روا نیست.<sup>۲</sup> ادعایی برای استرداد وجه پس از فسخ قرارداد، قابل پذیرش و انجام نیست تا این که اخطار و اعلام رسمی فسخ داده شود. ولی پیش از آن که ادعای استرداد ثمن در دعوای دارا شدن ناعادلانه طرح شود، هیچ مطالبه‌ای ضروری نیست.<sup>۳</sup>

#### ۴ - برآمد

جستاری که در موضوع خسارت تاخیر تادیه دین موضوع ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م به عمل آمده، نگارنده را به این نتیجه می‌رساند که در تعهدات و بدهی‌های پولی برای محاسبه و شمارش خسارت تاخیر تادیه و مبدأ آن، تفاوتی میان این گروه از تعهدات و بدهی‌ها وجود ندارد. آنچه اهمیت دارد، تاریخ سررسید دین است که می‌باید از آن، برای محاسبه خسارت تاخیر تادیه دین اصلی تا تاریخ پرداخت آن بهره برد؛ خواه موضوع بدهی پولی، وجه چک باشد یا مبلغ موضوع مهر در عقد ازدواج یا سایر دیون پولی. با این ترتیب نباید تاریخ مطالبه طلب اصلی از سوی بستانکار را که در ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م، پیش‌بینی شده، به عنوان شرط استحقاق طلبکار برای برخورداری از خسارت تاخیر تادیه از تاریخ خواستن آن، دانست. زیرا شرط تاریخ مطالبه دین، فقط از نقطه نظر ارزیابی وضعیت مدیون و توانایی و تمکن مالی او به هنگام مطالبه به کار می‌آید نه برای مبدأ محاسبه خسارت تاخیر تادیه. علت به کار بستن این شیوه محاسبه خسارت تاخیر تادیه و شرط رعایت تاریخ سررسید دین را باید در فلسفه وضع مستند قانونی یاد شده جست که جبران کاهش ارزش اسکناس موضوع دین به عنوان نماینده پول رایج کشور است و خسارت تاخیر تادیه به مفهوم و معنایی که در قانون آیین دادرسی مدنی سال ۱۳۱۸ برقرار بوده و باعث افزودن مبلغی به عنوان خسارت به اصل بدهی می‌شده، در نظام و آیین دادرسی مدنی کنونی جایی ندارد. رهاورد این پژوهش، گویای آن است که در رای وحدت رویه شماره ۸۱۲ مورخ ۱۴۰۰/۴/۱، برداشت درست و برآورده‌ای از منطوق و مفهوم ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م به عمل نیامده است. شایسته است هیات عمومی دیوان عالی کشور

1 . Mechanics of payment.

2 . *Sheppard and Cooper Ltd v TSB Bank plc* (1996).

3 . *Fuller v Happy Shopper Markets Ltd* (2001).

4 . RT Hon SIR Maurice Kay and Stuart Sime and Derek French, *Blackstone's Civil Practice*, Oxford, Fifteenth Edition, 2015, P 172 & 173, No 9.12.

در اجرای ماده ۴۷۳ قانون آیین دادرسی کیفری و در مجالی دیگر، از تفسیری که در رای یاد شده برای آغاز محاسبه خسارت تاخیر تادیه موضوع ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م یعنی تاریخ مطالبه، برگزیده است، دست بکشد و تاریخ سررسید دین را که جایگاهی روشن در مستند قانونی یاد شده دارد، جایگزین آن سازد؛ به کار بستن این شیوه به علت سهولت و آسانی آن، بر تغییر قانون و یا حتی روشن نمودن متن قانون از طریق استفسار از مجلس، ترجیح و برتری دارد.

### تعارض منافع

تعارض منافع وجود ندارد.

### ORCID

Fereidoon Nahreini



<http://orcid.org/0000-0001-8548-0282>

### منابع

#### الف) فارسی

- امینی - عیسی، حقوق قراردادها، انتشارات گنج دانش، چاپ دوم، سال ۱۴۰۱، صص ۳۲۲ و ۳۲۳.
- جعفری تبار - حسن، مسئولیت مدنی کالاها، نشر نگاه معاصر، چاپ یکم، ویراست سوم، سال ۱۳۹۶.
- شمس - عبدالله، آیین دادرسی مدنی، دوره‌ی پیشرفته، جلد دوم، انتشارات دراک، چاپ نوزدهم، پاییز ۱۳۸۷.
- شهیدی - مهدی، حقوق مدنی - جلد سوم، آثار قراردادها و تعهدات، انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد، چاپ اول، سال ۱۳۸۲.
- صفایی - سید حسین و حبیب‌الله رحیمی، مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)، انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، چاپ اول، زمستان ۱۳۸۹.
- غریبه - علی، مقاله «بررسی فقهی - حقوقی قابلیت مطالبه میزان کاهش ارزش پول و خسارت تاخیر تادیه»، فصلنامه تخصصی فقه و تاریخ تمدن، شماره شانزدهم، سال چهارم، سال ۱۳۸۷.
- کاتوزیان - ناصر، قواعد عمومی قراردادها، اجرای قرارداد، جلد چهارم، شرکت سهامی انتشار، چاپ پنجم، سال ۱۳۸۷.
- کاتوزیان - ناصر، الزام‌های خارج از قرارداد؛ مسوولیت مدنی، جلد اول: قواعد عمومی، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ هشتم، سال ۱۳۸۷.

کاتوزیان - ناصر، مقاله «مرور زمان اسناد تجاری»، مجله کانون و کلاء، سال هشتم، فروردین و اردیبهشت ۱۳۳۵، ش ۴۷.

محسنی - حسن و میرشکاری - عباس، مقاله «مطالبه زیان دیرکرد پرداخت دین ناشی از ضمان قهری»، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۴۶، شماره ۱، بهار ۱۳۹۵.

نهرینی - فریدون، آیین دادرسی مدنی، جلد دوم، «دعوا، شرایط اقامه و استماع آن»، (بازنگری و افزودنی)، انتشارات گنج دانش، چاپ دوم، سال ۱۴۰۰.

نهرینی - فریدون، آیین دادرسی مدنی، جلد چهارم، «شیوه‌های عادی شکایت از رای دادگاه و چگونگی بازنگری آن (واخواهی و تجدیدنظر)»، انتشارات گنج دانش، چاپ اول، پاییز ۱۴۰۱. نهرینی - فریدون، اعاده دادرسی به تشخیص رئیس قوه قضاییه، انتشارات گنج دانش، چاپ سوم، سال ۱۳۹۴.

نهرینی - فریدون، مقاله «متفرعات دعوا و ویژگی‌های آن»، ارج نامه دکتر الماسی، مجموعه مقالات اهدا شده به دکتر نجاد علی الماسی، شرکت سهامی انتشار، چاپ اول، سال ۱۳۹۱.

نهرینی - فریدون، مقاله «نقدی بر یک سخنرانی و بحثی پیرامون قوانین جدید دادرسی»، مجله کانون وکلای دادگستری مرکز، شماره پیاپی ۱۸۲ و شماره دوره جدید ۱۳، پاییز ۱۳۸۲.

مجموعه رویه قضایی کیهان، آرشیو حقوقی کیهان، آراء هیأت عمومی دیوان عالی کشور از سال ۱۳۲۸ تا سال ۱۳۴۲، جلد دوم - آراء مدنی، چاپ دوم، سال ۱۳۵۳.

## References

Garner - Bryan A, Black's Law Dictionary, West Thomson Reuters, USA, Ninth edition, 2009.

Gifis - Steven H, Law Dictionary, Barron's Legal Guides, Seventh edition, 2016, USA.

Kay - RT Hon SIR Maurice and Stuart Sime and Derek French, Blackstone's Civil Practice, Oxford, Fifteenth Edition, 2015.

**استناد به این مقاله:** نهرینی، فریدون. (۱۴۰۱). «جایگاه قانونی تاریخ مطالبه دین در خسارت تاخیر تادیه» ارزیابی رای وحدت رویه شماره ۸۱۲ مورخ ۱۴۰۰/۴/۱ هیأت عمومی دیوان عالی کشور. پژوهش حقوق خصوصی، (۴۲)، ۱۱-۹. doi: 10.22054/jplr.2023.69574.2707



Private Law Research is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.